



## جناب آقای دکتر محدث

### معاون محترم حقوق عامه دیوان عدالت اداری

پس از حمد خدا و با سلام

احتراما ضمن آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون و با توجه به رهنمون های مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در حمایت از میادین تولید، صنعت و کارآفرینی خاصه در بخش خصوصی و مساعدت های بی دریغ حضرتعالی از فعالان اقتصادی در رفع موانع موجود در عرصه تولید و پیشرفت آن و خشتی نمودن آثار تحریم های ظالمانه خارجی و داخلی، اجمالا به یکی از معضلات مبتلا به فعلی به شرح ذیل می پردازد.

۱. نیک مستحضرید احدی از بخشنامه های فاقد پشتوانه قانونی و بدون هرگونه نگاه کارشناسی و دور از واقعیت ها که طی در سنوات اخیر موجب لطمات جبران ناپذیر به فعالان اقتصادی به طور ویژه کارفرمایان واحدهای تولیدی و پیمانکاران های صنعتی کشور در باب اصلاح عنوان شغلی گردیده، بخشنامه ۱۷۷۷ / ۱۴۰۱ / ۱۰۰۰ مورخ ۱۸ / ۰۲ / ۱۴۰۱ و اصلاحیه بند (الف) بخشنامه ۸۰۴۷ / ۱۴۰۳ / ۱۰۰۰ مورخ ۲۷ / ۰۹ / ۱۴۰۳ جمملگی اصداری از سوی سازمان تامین اجتماعی می باشد که به واسطه این مقرره ها، سازمان نامبرده، خود را مستحق دریافت حق بیمه مورد ادعا دانسته و در این رهگذر وجوه سنگین و من غیرحقی را با توسل به قوای اجرایی خود از کارفرمایان اخذ می نماید.

۲. در این راستا تعداد کثیری، خواهان ابطال بخشنامه های مذکور از دیوان عدالت اداری شده اند که مراتب پس از تجمیع و لحاظ تشریفات مقرر، همگی به هیات تخصصی بیمه، کار و تامین اجتماعی دیوان عدالت اداری ارجاع و متاسفانه آن مرجع به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۴۳۱۳۹۰۰۰۲۱۵۶۳۳۵ مورخ ۲۴ / ۰۸ / ۱۴۰۴ رای به رد شکایت شکات صادر و اعلام نموده و اسباب تحمیل هزینه های هنگفت و غیرقابل تحمل را فراهم آورده است؛ در حالی که:

(الف) اصل ادعای سازمان تامین اجتماعی جهت اخذ مابه التفاوت حق بیمه ناشی از اصلاح عنوان شغلی اساسا فاقد مجوز قانونی بوده؛ چه اینکه در قوانین مربوطه صرفا سه حق بیمه (شامل حق بیمه مزدی، حق بیمه بیکاری و حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور) به رسمیت شناخته شده است. لذا نه تنها عنصر قانونی مطالبه در مانحن فیه مفقود بوده، بلکه اصول مسلم حقوقی از جمله "اصل عدم" و "اصل برائت" نیز در تقابل آشکار با ادعای سازمان تامین اجتماعی است و این وصف عدم تعریف و امکان قانونی، مورد پذیرش و رویه اکثر شعب محترم دیوان عدالت اداری می باشد.

(ب) در ادامه مطالبات ادعایی سازمان تامین اجتماعی در باب موضوع حاضر، آن سازمان مبادرت به تشکیل کمیته ای به نام "کمیته احتساب سوابق" نموده که مع الواسطه آن، بررسی و احراز اصلاح عنوان شغلی و محاسبه حق بیمه مورد نظر را به عمل می آورد. معذک در تخدیش صلاحیت آن کمیته جهت انجام اقدامات پیش گفت، همین بس که با اتکاء به "اصل صلاحیت" به عنوان یکی از بنیادی ترین اصول مسلم در حقوق عمومی که خود نشأت گرفته از اصل نمایندگی بوده، اصل بر عدم صلاحیت مقام و نهاد عمومی و همچنین عدم توسیع و تفویض صلاحیت می باشد مگر متکا به فرآیند قانونگذاری



از ناحیه مقنن صالح و از دیگر سو، وفق نص صریح ماده ۱۵۷ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، "کلیه اختلافات ناشی از قانون کار در صلاحیت هیات های تشخیص و حل اختلاف مستقر در اداره کار می باشد". هیات محترم عمومی دیوان عدالت اداری نیز با توجه به اطلاق این مقرر در رای وحدت رویه به شماره های ۱۱۱۴ و ۱۱۱۵ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۰۱ بالصراحه اشعار داشته "رسیدگی سازمان تامین اجتماعی در خصوص اصلاح عنوان شغلی مندرج در لیست بیمه ارسالی از سوی کارفرما فاقد مبنا و مستند قانونی است".

پ) مطابق اصول، میزان حق بیمه تابع و مبتنی بر میزان مزد پرداختی می باشد، نه بر اساس عنوان شغلی؛ این در حالی است که:

اولا: وفق مواد قانونی متعدد از جمله مادتين ۳۹ و ۱۰۱ قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و همچنین رای وحدت رویه شماره ۸۴۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ هیات عمومی دیوان عدالت اداری، سازمان مذکور مجاز است حداکثر ظرف مهلت ۶ ماه از تاریخ دریافت صورت مزد، نسبت به بررسی مجدد لیست ارسالی کارفرما و وصول لیست متمم یا حق بیمه اقدام نماید و بعد از آن هیچ اختیاری برای سازمان فوق متصور نمی باشد؛ لیکن اقدام سازمان مورد اشاره در محاسبه حق بیمه و مطالبه آن پس از گذشت سال ها، خارج از مهلت و در تنافی آشکار با مقرره های مبحث عنه می باشد.

ثانیا: طبق ماده ۸۷ قانون آیین دادرسی کار مصوب ۱۳۹۱، اثبات توافق بر مزد و مزایای بالاتر از حداقل قانونی عهده کارگر است؛ مع الاسف سازمان تامین اجتماعی با لحاظ عدم مراعات پیش گفت، به صورت غیرمأذونه به رابطه خصوصی و حقوقی نیروی کار و کارفرما ورود نموده، مزدی را برای متقاضی اصلاح عنوان شغلی (بدون اینکه ذینفع اصلی این ادعا را در هیات های تشخیص و حل اختلاف مستقر در اداره کار مطالبه کرده باشد) طبق ضوابط تشخیصی خود معین و نسبت به آن حق بیمه تعیین و مطالبه می نماید.

لازم به ذکر است که کیفیت و چگونگی محاسبات تماما نامعلوم و مبهم بوده و اکثر شعب تامین اجتماعی از کلیات و جزئیات این محاسبات اظهار بی اطلاع می نمایند و تنها به یک فایل ابلاغی موسم به "اکسل" استناد نموده و از دیگر سو، این مطالبات هیچ نفعی برای نیروی کار ندارد.

ثالثا: مصوبه پنجاه و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ هیات امنای سازمان تامین اجتماعی، کارفرمایان را مکلف نموده از تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ نسبت به درج عناوین شغلی در لیست بیمه ای کارکنان اقدام نمایند، مع الاسف سازمان مذکور در حین محاسبه، با نقض چندباره در این فقره، مبدا زمان محاسبه را به ۲۰ الی ۲۵ سال قبل از تصویب این مقرر تسری نموده تا بتواند مطالبات ادعایی خود را افزایش دهد و هیچگاه از عدم ایفای تکالیف قانونی ایادی خویش مبنی بر بررسی لیست بیمه ارسالی سخنی به میان نمی آورد!!!

بنا به مراتب مارالذکر که خلاصتا حکایت از ایرادات اساسی وارد بر رای هیات تخصصی بیمه، کار و تامین اجتماعی دیوان عدالت اداری به شرح آمده دارد و همچنین با توجه به شتاب و ذوق زدگی سازمان تامین اجتماعی جهت ترغیب شعب متبوع خویش به وصول حق بیمه موضوع تظلم خواهی حاضر (موضوع مکاتبه شماره ۵۱۶۴/۱۴۰۴/۷۱۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱/۱۴۰۴ صادره از سوی تامین اجتماعی)، مستندا به بند (ب) ماده ۸۴ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲، مستدعی است ضمن دستور توقف فعلی اجرای مفاد رای هیات تخصصی مزبور، با صدور دستورات و اوامر مدبرانه خویش اسباب

شماره: ۱۴۰۴/۷۲۴۶/س

تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶

پیوست: ندارد

سرمایه‌گذاری  
تولید برای  
سال ۱۴۰۴



اقناع اشخاص ذی مدخل در مقررہ فوق الاشعار جهت اعتراض بہ دادنامہ صادرہ از ہیات مذکور را فراہم نمودہ و با التفات بہ نزدیک بودن حلول مهلت اعتراض امر بہ ابلاغ فرمایید.

ضمناً در صورت صلاحدید دستور فرمایید مراتب بہ ایادی نظارتی، حراستی و امنیتی بویژہ سازمان بازرسی کل کشور بہ منظور توقف و پیش گیری از اقدامات سازمان تامین اجتماعی اعلام و همچنین ظرفیت اعمال مادہ ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم؛ تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، توسط مقام صالح مورد مذاقہ و در دستور کار قرار گیرد.

در پایان از بذل محبت آن مقام عالی بہ عنوان یاور ہمیشگی عرصہ تولید و صنعت تقدیر و تشکر می گردد.

با احترام

سید عبدالوہاب سہل آبادی

رئیس ہیئت مدیرہ